

دیدگاه‌های نوین در ارتباط با آموزش و اشتغال

منخصص شدن فرزندانشان هستند زیرا محیط‌های خارج از حوزه‌های آموزشی برای فرزندان آنها به شدت فاسد و گمراه کننده است. این والدین که به نسل گذشته تعلق دارند همه تلاش مالی و معنوی خود را به کار می‌برند تا فرزندانشان قادر باشند در جوامع مدرن امروز زندگی کنند و این امر جز از طریق آموزش میسر نیست. خودداری جوانان از تحصیل و یا بی توجهی والدین آنها به آموزش فرزندان تنها زندگی آنها را تباه نمی‌کند، بلکه ادامه زندگی فرزندان گمراه و بی‌سواد تحمیلی بزرگ بر دولت‌ها از یکسو، و به مالیات دهندگان از سوی دیگر است.

طرفداران متعصب «انسان آموزش دیده» معتقدند که انسان‌های ناآزموده و بی‌تخصص می‌توانند باعث شوند «کل بازار» با سقوط و انهدام روبرو شود بنابراین هرچه سطح آموزش بالاتر باشد بازارها، جوامع، اتحادیه‌ها، دانشگاه‌ها و همه سلول‌های تشکیل دهنده یک جامعه موفق‌تر و غنی‌تر خواهند بود.

شرکت‌های بزرگ که از تخصص‌ها بالاترین بهره را می‌برند در مورد هزینه کردن ارقام هنگفت برای آموزش کارکنان خود می‌گویند چه سود که آنها فردی را آموزش دهند و در حد تخصص‌های مورد نیاز خود در آورند ولی در آستانه بهره‌برداری از او، شرکتی دیگر که هزینه‌ای متحمل نشده با پرداخت دستمزد بالاتر این فرد متخصص را جذب کند؟ راه حلی که این شرکت‌ها ارائه می‌دهند اینست که هزینه‌های آموزش را که در نهایت به نفع اقتصاد ملی است دولت‌ها به عهده گیرند تا در صورت جابجایی نیروهای متخصص از شرکتی به شرکت، دیگر، شرکت نخست متضرر نشود.

نتیجه صفر برای ۵ میلیارد دلار هزینه!

خارج از اثرات مثبت یا منفی آموزش نیروی انسانی، آنچه که انکارپذیر نیست حمایت مستحکم جامعه از آموزش و تخصص است، هر چند که شرکت یا شرکت‌هایی از هزینه کردن بودجه‌های آموزش زیان ببینند. مشکل عمده برسر اینهمه مزایای ناشی از آموزش نیروی انسانی وجود دارد که کاربرد آنرا در

گروه از نیروهای انسانی که در یکی از تخصص‌های موجود آموزش دیده‌اند امکان یافتن شغل بسیار بالا است و مشاغل زیادتری برای پذیرفتن آنها وجود دارد. آنها نه تنها از تخصص خود بهره‌مند می‌شوند بلکه حوزه‌ای از اقتصاد را که در آن اشتغال دارند



منافع می‌کنند. تخصص‌های بالاتر نیروی انسانی از نظر جوامع مقبول‌تر است، و هرچه سطح این تخصص‌ها بالاتر باشد، نه تنها از سطح بیکاری می‌کاهد بلکه سرعت رشد را افزایش می‌دهد و ارتقاء سطح زندگی افراد را ممکن‌تر می‌سازد.

اتحادیه‌های کارگری نیز با تمام قدرت در پشت برنامه‌های آموزش نیروی انسانی قرار دارند چرا که دست آنها را برای درخواست دستمزدهای بالاتر بازتر خواهد گذاشت، دانشگاهیان و دست‌اندرکاران فعالتهای آکادمیک نیز همین نظر را دارند، چرا که تقاضا برای گرفتن آموزش بیشتر خواهد شد. پدران و مادران نیز با تمام امکاناتشان به دنبال تحصیلات و

بسیاری از سیاستمداران فرض را بر این می‌گذارند که آموزش یکی از مهمترین راه‌های به کارگیری بی‌کاران است. نشانه‌هایی در دست است که این تردید را ایجاد می‌کند چنین نظریه‌ای به سهولتی که سیاستمداران می‌اندیشند عملی نیست. از آنجا که سیاستمداران معمولاً با هر پدیده جدید، و آغاز فعالیتی نو چندان موافقت ندارند، وقتی به اتفاق نسبت به نظریه‌ای نو روی خوش نشان می‌دهند، می‌توان نتیجه گرفت که آن نظریه یا پدیده با درجاتی از شدت و ضعف، بدون برخورد با مانع به اجرا در می‌آید.

این روزها همه آنها متفق‌القول شده‌اند که باید برنامه‌های بیشتر و بهتری برای آموزش نیروی انسانی تدوین کرد و به اجرا در آورد. وزیران کار کشورهای غربی در گردهم‌آئی خود در شهر لیل فرانسه که آنرا «اجلاس سران در باره شغل» نام نهاده‌اند. طرح رابرت رایش وزیر کار آمریکا را که براساس آن این کشور متعهد شده است روی انسان و آموزش به طور اعم، و آموزش‌های تخصصی به طور اخص سرمایه‌گذاری بیشتری کنند تأیید کردند و آنرا در میان رویه‌های شغلی موجود در سیاست‌های اقتصادی بهترین دانستند و بدون هیچگونه مخالفتی پذیرفتند. تقریباً همه حکومت‌های جهان درگیر این مسئله هستند که تا چه اندازه برای آموزش نیروی انسانی اهمیت قائل شوند و دامنه برنامه‌ریزی‌های آموزشی خود را تا کجا گسترش دهند؟ مخالفان این

حکومت‌ها نیز همواره برنامه‌های آموزشی و طرح‌های آینده دولت‌ها را در این زمینه زیر حمله انتقادی خود قرار می‌دهند (دست کم در اروپا چنین است)، آن را غیر کافی می‌دانند و یا آن را بعنوان هدر دادن ثروتهای ملی ارزیابی می‌کنند. تنها مدافعان هرچه بیشتر هزینه کردن برای آموزش نیروی انسانی، محققان علوم اجتماعی و اقتصادی هستند که همواره استدلال‌هایشان بر پایه نتایج تحقیقاتشان قرار دارد. مردم در برخورد با مسائل آموزش نیروی انسانی کم و بیش نظریاتی مثبت و قدرتمند دارند و نتایج علمی آن نیز در جوامع بخوبی مشهود است: انسان‌های آموزش ندیده در یافتن شغل بسیار ناموفق‌تر از آموزش دیده‌ها هستند، برای آن

پرده ابهام نگاه می‌دارد:

در بدنه رو به رشد پژوهش، اقتصاد دانان گروه‌های بیکار را که برای گرفتن آموزش به دستگاه‌های دولتی وارد می‌شوند با گروه‌هایی که این کار را نمی‌کنند یکسان می‌دانند. تقریباً در هر مورد دیده می‌شود که این گروه‌ها هم در فراگیری و هم در آماده شدن برای پذیرفتن شغل موفق نیستند. از بررسی نتایج تحقیقات گسترده پژوهشگران بر روی برنامه‌هایی که برای بیکاران تنظیم شده، این نتیجه به دست آمد که تنها یادگیری «تئوریهایی دیدن آموزش» در مورد آنها کاربرد داشته و فراگیری عملی مشاغل در سطحی بسیار پائین قرار داشته است.

در ایالات متحده آمریکا وزارت کار بودجه‌ای معادل ۵ میلیارد دلار برای آموزش‌های دولتی در اختیار دارد. دست‌اندرکاران آموزش در آمریکا می‌گویند در ارزیابی آثار حاصل از هزینه کردن این رقم هنگفت در کارانی عملی آموزش دیدگان «رقم صفر رقم خوبی است!». جمیز همکان از دانشگاه شیکاگو و رئیس گروه پژوهشگران آموزش دولتی در آمریکا می‌گوید تخصیص این رقم هنگفت به آموزش جوانان در جوانان زیر بیست و یکسال هیچ نتیجه‌ای نداد، و حتی باعث شده است که این جوانان در مدتی که برای کسب آموزش صرف کرده‌اند هیچ نیاموخته‌اند، درآمدی را

که می‌توانستند از طریق مشاغل غیرتخصصی تحصیل کنند از دست بدهند. در سنین بالاتر به ویژه در میان زنان درآمدها قدری بالاتر رفت ولی دلیل آن آموزش نبود بلکه به دلیل داشتن فرزند مجبور بودند ساعاتی بیشتر در مشاغل غیرتخصصی کار کنند. بخشی از این کارآموزان که در مدارسی که سخت‌گیری در آنها بیشتر رعایت می‌شد تحصیل می‌کردند تا حدودی موفق‌تر بودند؛ این هم پدیده‌ای بسیار معمولی در استعدادهای متفاوت میان جوانان است.

بیست و دو پژوهش آموزشی که بعد از سال ۱۹۷۷ انجام شده نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی برای افراد با درآمدهای زیر مرز فقر، در مورد زنان تا حدودی موفق بود، اما بقیه نتایج گمراه کننده و حتی منفی است و اکثراً حاکی از عدم موفقیت مردان جوان در کسب درآمد است. دومین طرح بزرگ برنامه آموزشی فدرال در ایالات متحده طرح «سپاهیان شغل» نام دارد که برای جوانان فقیری که داوطلب ترک خانه‌های خود برای دیدن دوره‌های آموزشی و تخصص‌های پایه‌ای هستند تنظیم شده است. این طرح تا حدودی موفقیت‌آمیز بوده است، سپاهیان شغل از میان فارغ‌التحصیلان دبیرستانها که تا حدودی بیش از دوس دبیرستانی اطلاعاتی دارند انتخاب می‌شوند. این پژوهش نشان می‌دهد درصد فساد و جنایت در

میان این داوطلبان با جوانانی که به این طرح نپیوسته‌اند تقریباً یکسان است. به عبارت دیگر این طرح تنها جوانان را در ساعات آموزش مشغول نگهداشته، ولی در مجبور کردن آنها به تخصص‌های مورد نیاز بازار نتیجه‌ای بسیار اندک داشته است.

تجارب انگلستان در این زمینه مشابه امریکا است، برنامه آموزشی انگلستان برای نوجوانان ۱۶ و ۱۷ ساله بیش از دویست هزار نوجوان انگلیسی را در هر سال در بر می‌گیرد، یک ارزیابی دولتی نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از نوجوانانی که به این طرح جذب می‌شوند قبل از پایان دوره آموزشی کلاسهای خود را رها می‌کنند و نرخ بیکاری در میان آن دسته که دوره را به پایان می‌برند ۲۷ درصد بیش از کل افرادی است که به این دوره‌های آموزشی پیوسته‌اند. انگلیسیها که از این طرح ناامید شده‌اند فشار خود را بر کارآموزی کارگاهی قرار داده‌اند که بیست هزار جوان را دربر می‌گیرد و آموزش در محل‌هایی شبیه به محل‌های کاری که در آینده برای اشتغال آنها در نظر گرفته شده انجام می‌گیرد. اشکال طرح مورد بحث این است که شرکت در آن برای همگان میسر نیست، بلکه انتخاب کارآموزان از طریق آزمون انجام می‌شود که نتیجه آن محروم ماندن بسیاری از جوانان از آموزش است. در انگلستان به جز نظام آموزش دولتی سازمان

کاشی و کاغذ دیواری پی‌سی

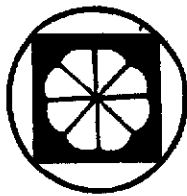
پلاسکا

محصولی جدید برای اولین بار در خاور میانه

دفتر فروش: تهران، خیابان دکتر شریعتی، جنب سینما سروش (مولن‌روژ سابق)، شماره ۲۶۳
تلفن: ۷۵۰۰۰۸۳ و ۷۵۰۰۰۸۵
کارخانه و دفتر مرکزی: یزد، تلفن ۳۱۲۱۲

MANUFACTURED BY.

شرکت بیمه صادرات و سرمایه گذاری



انواع خدمات بیمه‌ای که در حال حاضر توسط شرکت عرضه می‌شود:

بیمه بازپرداخت تسهیلات اعطائی از سوی بانکها و مؤسسات اعتباری به صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران
در این نوع بیمه، بازپرداخت وامهای اعطائی از سوی بانکها و مؤسسات اعتباری به صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران در بخش‌های تولیدی، صنعتی و تجاری توسط شرکت بیمه صادرات و سرمایه گذاری تضمین شده و اینگونه مؤسسات می‌توانند با تثبیت جریان نقدینگی، به رسالت خود مبنی بر اعطای تسهیلات جهت توسعه صادرات و سرمایه گذاری در کشور بهتر عمل نمایند.

بیمه‌نامه جایگزین وثائق مورد نیاز بانکها و مؤسسات اعتباری

به موجب این بیمه‌نامه شرکت بیمه صادرات و سرمایه گذاری تعهد می‌کند در صورتی که وام گیرنده در سررسید مقرر قادر به بازپرداخت اقساط وام دریافتی نباشد نسبت به پرداخت خسارات وارده به بانک یا مؤسسه اعتباری ذریط اقدام نماید. این بیمه‌نامه توسط بانکها و مؤسسات اعتباری، بجای وثیقه پذیرفته می‌شود.

صدور سایر انواع بیمه‌نامه‌های مورد نیاز در زمینه صادرات کالا و خدمات و سرمایه‌گذاری

شرکت آمادگی دارد در زمینه صدور سایر انواع بیمه‌نامه‌های مرتبط با فعالیتهای صادراتی و سرمایه گذاری اقدام نماید.

استفاده‌کنندگان از خدمات این شرکت

- صادرکنندگان کالا و خدمات
- سرمایه‌گذاران ایرانی در خارج از کشور
- سرمایه‌گذاران خارجی در داخل کشور
- بانکها و مؤسسات اعتباری و مالی
- کارخانجات و مؤسسات تولیدی و بازرگانی که جهت توسعه فعالیتهای خود از تسهیلات مالی استفاده می‌نمایند.
- مهندسين مشاور و پیمانکاران

تهران، خیابان ولی‌عصر، بالاتر از میدان ونک، خیابان شریفی، پلاک ۱۱/۱

تلفن: ۸۷۷۱۱۶۷ - ۸۷۷۱۲۴۶ فاکس: ۸۷۷۱۲۴۵

اقتصادی

آموزشی معتبر و بزرگی بنام شورای شرکتها و آموزش وجود دارد که متعلق به بخش خصوصی است ولی طی قراردادهائی کارآموزان معرفی شده از سوی دولت را آموزش می‌دهد. باز هم در این مورد ثابت شده فقط ۲۷ درصد از جوانانی که در این شورا آموزش می‌بینند و تقریباً دو و نیم میلیارد دلار برایشان هزینه می‌شود موفق به یافتن شغل می‌شوند. در بهترین شرایط و اختصاصی‌ترین تخصص‌های موردپسند بازار، دیده شده است که فقط نیمی از این جوانان که دوره‌های آموزشی را به پایان برده‌اند جذب بازار کار می‌شوند.

در استرالیا در دهه ۱۹۸۰، دفتر مطالعات بازار کار یک پژوهش بلند مدت را در باره وضعیت اشتغال انجام داد.

جدویت اسلون کارشناس انستیتو ملی تحقیقات مسائل کار و کارگری می‌گوید نتایج این پژوهش آنچنان ناامید کننده بود که انستیتو مجبور به تعطیل این دفتر شد. استرالیا پس از این شکست هفت میلیارد و هشتصد میلیون دلار را برای یک دوره چهار ساله به آموزش مشاغل اختصاص داد. گرچه هنوز نتایج این اقدام روشن نشده است، ولی مقامات استرالیائی امیدوارند با هزینه کردن این مبلغ و از طریق اصلاح دستمزدها از عده بیکاران در این کشور بکاهند.

شاید بزرگترین طرح آموزش دولتی در آلمان به مرحله اجرا گذاشته شده باشد: براساس این طرح آلمانها یک نظام «سیستم دوگانه» را به کار گرفته‌اند که به موجب آن اکثر جوانان شانزده ساله آلمانی با شرکتهای محلی قراردادی امضاء می‌کنند که به طور نیم وقت و بادستمزد پائین مشغول کار شوند و آن شرکت‌ها نیز متعهد می‌شوند به آنها آموزش حین کار بدهند. این جوانان باقیمانده وقت خود را در مدارس دولتی می‌گذرانند و آموزش در این مدارس را با تخصصهائی که در شرکتهای کسب می‌کنند در هم می‌آمیزند. وقتی این دوره‌ها به پایان رسید جوانان مزبور یا به‌طور تمام وقت به استخدام شرکت در می‌آیند و یا دست کم در حوزه تخصصی خود شغلی دست و پا می‌کنند. در طرح آلمانی مزایای بیشماری وجود دارد ولی به هر حال می‌توان آن را به حساب آموزش دولتی گذاشت چرا که آموزشهای اصلی در محل‌های کار، کارگاهها و کارخانجات بخش خصوصی انجام می‌شود و نه در مراکز آموزش دولتی. از این گذشته، دستمزدی که به این جوانان پرداخت می‌شود دستمزدهای واقعی نیست و بسیار کمتر از آنست. در سال ۱۹۹۳ آلمان رقم دویست و یازده میلیارد دلار یعنی بزرگترین رقم در میان کشورهای صنعتی را به آموزش اختصاص داده بود که یک سوم آن از طرف شرکتهای خصوصی که کارآموز تربیت می‌کرده‌اند پرداخت شد، گرچه دستمزد معلمان کارآموزان را شرکتهای خصوصی متقبل می‌شوند، ولی امتحانات مربوط به پایان دوره کارآموزی از سوی اطاق بازرگانی آلمان انجام می‌گیرد. نتایج حاصل از سیستم آلمانی نشان داده که این سیستم بهترین و کارآمدترین در میان کشورهای صنعتی غرب است زیرا شرکتهای گیرنده کارآموز در مقابل پرداخت دستمزد پائینی مجبور به عرضه مطلوبترین و بهترین دوشوهای آموزشی می‌شوند و کارآموزان خود را برای تخصصهائی که در آینده موردنیاز اقتصاد کشور است آماده می‌سازند. نتایج حاصل از اجرای این سیستم نشان می‌دهد که اکثریت جوانانی که در چارچوب این سیستم آموزش دیده‌اند در ستین بالاتر به عنوان متخصصانی موفق و صاحبان مشاغل با دستمزدهایی به صحنه می‌آیند ولی اشکالات نیز در همین جا ظاهر می‌شوند: آلمان در حال حاضر با داشتن چهارمیلیون بیکار (یازده درصد از نیروی کار) بالاترین نرخ بیکاری را از سالهای پس از جنگ دوم جهانی دارد، آمار نشان می‌دهد که نیمی از این بیکاران کارگرانی هستند که در سیستم آموزشی آلمان تخصصهائی لازم را کسب کرده‌اند. در یک بررسی نشان داده شده دلیل آن بالا رفتن دستمزدهای آنان پس از اتمام دوره کارآموزی است. گاهی این دستمزدها به قدری افزایش پیدا می‌کند که کارفرمایان قادر به نگهداری آنان نیستند و آنها را اخراج می‌کنند. بنابراین سیستم آموزش دولتی آلمان چندان با تخصص‌ها مربوط نیست بلکه صرفاً در کوتاه مدت از تباطؤ تنگاتنگ با دستمزدها دارد: مثلاً کارگران ساختمانی در آلمان بسیار ماهرتر از هم‌تایان خود در غرب و شرق و اروپا هستند، ولی به علت بالا بودن مزد این کارگران، نودهزار نفر آنها خانه‌نشین هستند و کارگران ارزان قیمت خارجی‌کارهای ساختمانی را پیش می‌برند.

مأخذ اکونومیست ششم آوریل ۱۹۹۶ □